

بین سال ۹۸ تا ۱۴۰۰ جمعیت زیر خط فقر مطلق کشور به دو برابر افزایش پیدا کرده است. امروز نسبت دو سه سال قبل مشکلات و آسیب‌های اجتماعی ما در حوزه کارگری تشدید شده و جمعیت فعال در سن کار بیشتر گرایش به خودکشی را پیدا کرده است.

روزبه کردونی، کارشناس آسیب‌های اجتماعی عنوان کرد؛



روزبه کردونی، کارشناس آسیب‌های اجتماعی گفت:

حوزه آسیب‌های اجتماعی و مسائل مبتلابه اجتماعی ما و پرداختن به آن (به ویژه درباره کارگران) حوزه‌ای فاقد «نام» و «نام» است و در حوزه سیاستگذاری ما نیز به همین دلیل محلی از اعراب ندارد.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از ایلنا، او اظهار داشت:

ما باید در نگاه اول و رویکرد اول باید به این نقطه برسیم که چه در سطح حوزه عمومی (یعنی کنشگران مدنی در دانشگاه، اصحاب رسانه و فعالان مستقل مدنی) و چه در سطح سیاسی (یعنی مسئولان، مدیریت کلان و سیاستگذاری) باید مسائل اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی را به عنوان یک «اولویت» شناسایی کرده و در سطح سیاستگذاری به آن به مثابه یک اولویت اصلی ضریب بدهیم. تا به این نقطه نرسیم، امیدی به کنترل و مدیریت آسیب‌های اجتماعی وجود ندارد. ما بطور مشخص روی موضوع مهم «آسیب‌های اجتماعی در میان کارگران» هیچ مقاله پژوهشی قابل توجه یا کار جدی دانشگاهی در سطح پایان نامه و رساله و چه در کارهای آمارنامه‌های وزارت تعاون در ایران نداشته‌ایم و این بسیار بد است یعنی موضوعاتی مثل «طلاق در میان کارگران»، «اعتیاد در میان کارگران»، «خشونت در میان کارگران»، «خودکشی در میان کارگران» را به عنوان یک موضوع مستقل مربوط به طبقه کارگر ایران در میان پژوهش‌های اجتماعی ما تقریباً حضور ندارد به همین دلیل گزارشی که در آن بتوان عدد و رقم مشخصی از این آسیب‌ها در میان کارگران ایران را نشان دهد وجود ندارد. در حوزه مسائل اجتماعی و آسیب‌های آن سه چالش مهم وجود دارد که یکی نبود انگیزه مالی، سیاسی و شهرت (فقدان نام و نان) در فضای بحث درباره آسیب‌های اجتماعی است. دیگری فقدان اطلاعات و تصویری از وضعیت آسیب‌ها است و سومی فقدان مهارت لازم در حوزه اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی است البته معضل دیگر این است که این حوزه فاقد متولی است و به اصطلاح عامیانه «صاحبی ندارد».

وی گفت:

من مبتنی بر «فراتحلیل» می‌توانم این ادعا را مطرح کنم که طی یک دهه اخیر با روندهای اجتماعی و اقتصادی پیش آمده این

امر مشخص باشد که آسیب‌های اجتماعی در بخش کارگری جامعه بیشتر از قبل به سمت وخامت حرکت کرده باشد علت این است که بیش از هر دلیل اقتصادی دیگری، کرونا و همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ باعث شد ضربه بدی به اقتصاد کشور وارد آید. کرونا به عنوان یک شوک برون‌زا و به‌عنوان چیزی که یکصد سال در دنیا به‌عنوان یک مرض واگیر تجربه نشده بود ضربه بدی زد. مهمتر از همه این است که کرونا بیش از هر چیزی محیط کار را دستخوش تأثیر می‌کرد و باعث بسته شدن بسیاری از محیط‌های کار درون شهری و برون شهری شد.

او ادامه داد:

بحث بعدی ما روی فقر است که قبل و بعد از کرونا وجود داشته است. فقری که در خانوارهای کارگری بیش از سایر گروه‌های اجتماعی وجود دارد. مطالعات ما نشان می‌داد بین سال ۹۸ تا ۱۴۰۰ در دوره کرونا (و مطالعه معاونت اجتماعی و فرهنگی وزارت کار در سال ۱۴۰۱ که روند همین مطالعه را تایید کرد) جمعیت زیر خط فقر مطلق کشور از ۱۵ درصد به ۳۰ درصد افزایش یافت. در واقع تعداد افراد زیر خط فقر ما در مدت کمتر از چهار سال به دو برابر افزایش پیدا کرد. جمعیت زیر خط فقر مطلق کل ما دو برابر شده بود اما آمار جداگانه‌ای که از فقر افراد دارای پوشش بیمه‌ای اجتماعی و شاغل به دست آمد نشان می‌داد که جمعیت افراد زیر خط فقر مطلق شاغلین ۵ برابر شده است یعنی اگر ما قبلاً با فقر افراد بیکار مواجه بودیم، اکنون پس از این دوره با رشد فقر مطلق در میان افراد شاغل مواجه هستیم. این نکته بسیار حائز اهمیت است که از نظر تخصصی و علمی، قطعاً «فقر» و مشکلات معیشتی تنها علت بروز آسیب‌های اجتماعی نیست اما قطعاً یکی از مهمترین دلایل بروز آسیب‌های اجتماعی و شیوع آن، مشکلات معیشتی و فقر است. فقری که در این دوره بیش از همه گریبان کارگران را گرفته است بنابراین باتوجه به اینکه جامعه زیر خط فقر ما چه در سطح کلان کشور و چه در درون جامعه کارگری و کارمندی و روستایی افزایش یافته، و باتوجه به اینکه کرونا در حوزه‌های اشتغال و فضاهای کار ما تأثیر داشته است دیگر می‌توان این تحلیل را مطرح کرد که امروز نسبت دو سه سال قبل مشکلات و آسیب‌های اجتماعی ما در حوزه کارگری تشدید شده است.

وی گفت:

جمعیت ۲۰ تا ۳۰ سال مردان در شهرهای ما در ایران بیشترین میزان خودکشی را نسبت به سایر گروه‌های جمعیتی، جنسیتی و سنی دارد. جامعه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال ما دقیقاً بخشی است که نقش قابل توجهی در بازار کار دارد و در این میان مردان بیش از زنان در این سنین حضور دارند. وقتی ما می‌بینیم در این بخش نرخ خودکشی افزایش پیدا می‌کند به دلیل اینکه طیف سنی و جنسیتی دارای نرخ خودکشی بالاتر هستند و الگوی خودکشی آنان به این نحو است، پس جمعیت فعال در سن کار و اوج فعالیت ما بیشتر گرایش به خودکشی را پیدا کرده است.

او اظهار داشت:

ما باید بین مسائل اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی تمایز قائل شویم. بسیاری بر این باور هستند که مباحثی مثل مجرد قطعی و طلاق، مسئله اجتماعی هستند اما آسیب اجتماعی نیستند اما می‌توانند در ادامه از عوامل بروز آسیب‌های اجتماعی باشند. مجرد قطعی یا حتی مباحثی مثل طلاق، زمینه ساز دیگر مشکلات می‌تواند باشد. ما وقتی از مسائل جامعه کارگری صحبت می‌کنیم نباید فراموش کنیم که جامعه کار و تولید ما نیز دارد در درون کل جامعه ایران و به عنوان بخشی درون همین جامعه زیست می‌کند و آن دسته مشکلاتی که کل جامعه دارد، بر بخش کارگری جامعه هم اثر می‌گذارد. اگر از مجرد قطعی و طلاق و خودکشی صحبت می‌کنیم از مشکلات جامعه کارگری و کل جامعه به صورت همزمان سخن می‌گوییم زیرا کارگران بخش ایزوله شده‌ای از این جامعه نیستند و مسائل و مواهب این جامعه بر آنان نیز به نحوی اثر دارد.

برچسب ها: [فقر](#) [1]

[حقوق کارگران](#) [2]

[آسیب های اجتماعی](#) [3]

[دانشگاه](#) [4]